



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

Developments and Formative Policies of the Foundations of Civil Responsibility in Environmental Damages in Iran and the European Union

Hossein Valizadeh¹, Nejatolah Ebrahimian^{1*}, Sharareh Mofidian¹

1. Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Due to the importance of environmental damages and the very destructive effects and consequences that these damages bring to people's daily lives, many legal systems have tended to identify the criterion of fault to realize civil liability resulting from harmful behaviors. An environment that naturally places the burden of proving harmful behavior on the judicial authority and can create many difficulties for the judicial authorities in this regard.

Method: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: Investigations showed that the formal changes can be considered as "absolutism and absolutism" of civil liability due to environmental damage and "evolution in the system of proving and proving the claim of civil liability due to environmental damage". In fact, it should be said that the recognition of pure civil liability, which can actually be considered a return to the criterion of risk, removes the burden of proving the commission of harmful behavior and the occurrence of loss. The judicial authority and this time the occurrence of loss and the commission of harmful behavior are assumed and it is the defendant or accused of committing this conduct that must prove that such conduct was not done primarily or with intent to cause harm.

Conclusion: The important result of this research is that in the field of changes in the foundations of civil liability caused by environmental damage, the European Union has experienced important changes and introduced its laws and regulations and executive instructions in relation to the protection and preservation of the environment, but Iran's rights, it is far from these developments.

Keywords: Civil Liability; Environmental Damages; Iranian Rights; European Union

Corresponding Author: Nejatolah Ebrahimian; **Email:** 1344ne@gmail.com

Received: March 11, 2023; **Accepted:** June 27, 2023; **Published Online:** December 09, 2023

Please cite this article as:

Valizadeh H, Ebrahimian N, Mofidian SH. Developments and Formative Policies of the Foundations of Civil Responsibility in Environmental Damages in Iran and the European Union. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e20.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



تحولات و سیاست‌های شکلی مبانی مسئولیت مدنی در خسارات زیست‌محیطی در ایران و اتحادیه اروپا

حسین ولی‌زاده^۱، نجات‌اله ابراهیمیان^{۱*}، شراره مفیدیان^۱

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: به سبب اهمیت خسارات زیست‌محیطی و آثار و تبعات بسیار مخربی که این خسارات به زندگی روزمره انسان‌ها وارد می‌سازند، بسیاری از نظام‌های حقوقی به این امر گرایش یافته‌اند که به جای شناسایی معیار تقصیر برای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی که طبعاً تکلیف اثبات ارتکاب رفتار زیانبار را بر عهده مقام قضایی استوار می‌سازد و می‌تواند مشقات بسیاری را در این زمینه برای مراجع قضایی ایجاد می‌کند.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان داد تحولات شکلی را می‌توان «محض‌انگاری و مطلق‌انگاری» مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی و «تحول در نظام اثبات و ادله اثبات دعاوی راجع به مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی» محسوب کرد. در واقع باید گفت شناسایی مسئولیت مدنی محض که در حقیقت، بازگشتی به معیار خطر می‌تواند محسوب شود، تکلیف اثبات ارتکاب رفتار زیانبار و ورود ضرر را از عهده مقام قضایی برداشته و این بار، ورود ضرر و ارتکاب رفتار خسارت‌بار فرض می‌شود و این، خوانده یا متهم به ارتکاب این رفتار است که باید اثبات کند چنین رفتاری را اساساً یا مرتکب نشده و یا به قصد اضرار مرتکب نشده است.

نتیجه‌گیری: نتیجه مهم حاصل از این تحقیق این است که زمینه تحولات مبانی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی، اتحادیه اروپا تحولات مهمی را تجربه و وارد قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های اجرایی خود در رابطه با حفاظت و صیانت از محیط زیست کرده، لیکن حقوق ایران، فاصله بسیاری با این تحولات دارد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی؛ خسارات زیست‌محیطی؛ حقوق ایران؛ اتحادیه اروپا

نویسنده مسئول: نجات‌اله ابراهیمیان؛ پست الکترونیک: 1344ne@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۱۸

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Valizadeh H, Ebrahimian N, Mofidian SH. Developments and Formative Policies of the Foundations of Civil Responsibility in Environmental Damages in Iran and the European Union. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e20.

مقدمه

مسئولیت ناشی از لطمه و اختلال به محیط زیست راه و طریقی است برای اجبار و الزام آلوده‌کنندگان مهم برای جبران خساراتی که آن‌ها سبب شده‌اند یا روشی است برای اجبار آلوده‌کنندگان بزرگ و مهم تا هزینه‌های جبران و اصلاح آن را بپردازند. بنابراین مسئولیت یکی از راه‌های الزام آلوده‌کنندگان به جبران خسارت متحمل شده توسط زیان‌دیده است. بنابراین حقوق مسئولیت مدنی، اهمیت روزافزون در بحث‌های مربوط به محیط زیست کسب می‌کند. اصل پیشگیری را شاید بتوان توسعه یافته‌ترین شکل تحمیل مسئولیت مدنی بر مرتکب رفتار خسارت‌بار زیست‌محیطی، آن هم در قالب سختگیرانه‌ترین نوع مسئولیت مدنی، یعنی مسئولیت محض دانست. مسئولیتی که متضمن توسعه کارکردهای حقوق مسئولیت است. باید توجه داشت که رویکرد پیشگیرانه از دو طریق توسعه قواعد اولیه از رهگذر قواعد ثانویه و پذیرش مسئولیت محض برای متصدیان اعمال مخاطره‌آمیز محقق شده است و کمیسیون حقوق بین‌الملل در این زمینه نقش به سزایی داشته است. اعتقاد به محض یا بودن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی، طبعاً آثار مهمی به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین آثار این باورمندی به محض انگاری مسئولیت مدنی در خسارات زیست‌محیطی، آن است که اثبات عنصر مادی و نیز عنصر روانی رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی، نسبت به زمانی که مبنای مسئولیت مدنی، مواردی جز مسئولیت محض است، به مراتب آسان‌تر خواهد شد.

تحقیقات نشان می‌دهد که پیش‌بینی و تحمیل مسئولیت مطلق در حوزه محیط زیست می‌تواند در بسیاری از موارد به عنوان یک محرک بازدارنده در پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی تلقی گردد، زیرا مسئولیت محض ریسک و هزینه جرم را بالا برده و به صورت غیر مستقیم، عامل زیان را وادار می‌کند تا با نظارت بیشتر و بازرسی‌های متداول وقوع جرم و خطرات زیست‌محیطی را به حداقل برساند.

در کشور ما هنوز نشانه آشکاری از پذیرش این رویکرد در فرایند قانونگذاری زیست‌محیطی مشاهده نمی‌کنیم. با اینکه

در برخی از کشورها محض‌انگاری در باب ماهیت جرائم زیست‌محیطی، مقامات قضایی را بی‌نیاز از احراز عنصر روانی در جرم‌های زیست‌محیطی کرده و مواجهه قانونی و قضایی با این جرم‌ها را ساده‌تر ساخته و در عوض، تکلیف به اثبات فقدان عنصر روانی را بر دوش متهم گذاشته است، در کشور ما همچنان، مقام قضایی مکلف به اثبات عنصر روانی این قبیل جرائم در کنار دو عنصر دیگر، یعنی قانونی و مادی برای احراز مسئولیت کیفری و امکان اعمال ضمانت اجرای قانونی در برابر جرم‌های زیست‌محیطی است که به نظر می‌رسد، به هیچ وجه، چنین رویکردی عقلایی نبوده و با معیارهای جدید مطرح در حوزه مسئولیت کیفری ناشی از ارتکاب جرائم زیست‌محیطی در تضاد و تناقض آشکار است.

روش

این پژوهش از نوع نظری بوده و روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

هدف از پژوهش حاضر واکاوی تحولات شکلی مبانی مسئولیت مدنی در خسارات زیست‌محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا می‌باشد.

بحث

۱. مؤلفه‌ها و اقتضائات محض در مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی: مسئولیت محض واژه‌ای است که در حقوق آنگلو آمریکایی برای مسئولیت مبنی بر عدم تقصیر به کار گرفته شده که برای تعدادی از شبه‌جرم‌ها به کار می‌رود و جایی که مسئولیت بدون تقصیر وجود دارد، ولی خواننده با اثبات یک عامل خارجی که علت ورود خسارت بوده است از مسئولیت مبرا می‌شود را «مسئولیت محض» می‌نامند. این مسئولیت مبتنی بر عدم تقصیر برای اعمال متخلفانه است

و هیچ‌گاه این نوع از مسئولیت نسبت به اعمال غیر متخلفانه اعمال نمی‌شود و صرفاً برای فعالیت‌هایی که قانونی و خطرناک هستند، به کار می‌رود، نظیر فعالیت‌هایی که در مورد آن‌ها «مسئولیت برای خطر» در کشورهای حقوق مکتوب، بدون اینکه هیچ نقض تعهدی لازم داشته باشد، اجرا و اعمال می‌شود (۱). همچنین عبارت مسئولیت مطلق به نظر می‌رسد منشأ آن در حقوق آنکلو آمریکایی است، ولی در جایی است که هیچ معافیته‌ای از مسئولیت وجود ندارد و به شکل محدودتر و مضیق‌تری به مسئولیت محض اشاره می‌کند (۲). در این نوع از مسئولیت، استثنائات بسیار اندک یا هیچ استثنایی وجود ندارد. بنابراین مسئولیت محض بدین معنا، از مسئولیت مطلق متفاوت است، چون در مسئولیت محض عوامل مبراکننده وجود دارد که ممکن است مسئولیت را زائل کند. به هر تقدیر، تفاوت فاحشی وجود دارد که اغلب نویسندگان آن را رعایت نمی‌کنند (۳).

۱-۱. آثار حقوقی مسئولیت محض در خسارات

زیست‌محیطی: مسئولیت محض در بسیاری از رویه‌های قضایی برای مسئولیت ناشی اعمال مخاطره‌آمیز مورد شناسایی قرار گرفته است. مسئولیت محض برای اعمال دارای خطرات مخاطره‌آمیز یا غیر معمول، بهترین تکنیک در هر دو نظام حقوق نوشته و حقوق کامن‌لا می‌باشد که قربانیان بر اساس آن قادر خواهند بود بدون اثبات تقصیر از جبران خسارت بهره‌مند شوند، چراکه اثبات تقصیر مستلزم شناخت و آگاهی قربانی از اعمال بسیار پیچیده و فنی است (۴). این نظریه زمانی خود را بیشتر می‌نماید که خطر یک عنصر ذاتی فعالیت‌های زیان‌زننده معرفی می‌شود. به عنوان مثال، در فعالیت‌های هسته‌ای عاملی که بیشتر اصل مسئولیت محض را توجیه می‌کند، مخفیانه‌بودن و بسیار پیچیده‌بودن فعالیت‌ها و دستگاه‌ها و تأسیسات اتمی است. فعالیت‌های اتمی ظریف و پیچیده هستند، به نحوی که اثبات تقصیر در عمده موارد نه‌تنها مشکل، بلکه شاید، غیر ممکن باشد (۵). بنابراین نه‌تنها مسئولیت مبتنی بر تقصیر نظامی مناسب برای آن نیست، بلکه حتی فرض تقصیر هم نمی‌تواند عادلانه و موجه باشد، چراکه

در خیلی از موارد اصلاً تقصیری وجود ندارد و اثبات فقدان تقصیر هم آنچنان مشکل نیست، لذا خسارات جبران‌نشده باقی می‌ماند. بنابراین «مسئولیت محض» بهترین قاعده برای مبنای مسئولیت در حقوق مسئولیت مدنی اتمی است. این اصل به وضوح در کنوانسیون‌های مسئولیت مدنی اتمی گنجانده شده است، در شرح اهداف کنوانسیون پاریس از آن به عنوان «فرض مسئولیت» نام برده شده است (۶).

برای اولین بار، مسئولیت محض درباره آلودگی محیط زیست، در آمریکا در «قانون جامع مربوط به واکنش، جبران خسارت و مسئولیت ناشی از لطمه و اختلال به محیط زیست»، پیش‌بینی شد و ایالت‌های آمریکا آن را در خصوص رهاسازی مواد خطرناک به طبیعت پذیرفتند، هرچند که ریشه تاریخی مسئولیت محض در کامن‌لا به مسئولیت در برابر خسارت‌های ناشی از حیوانات و مسئولیت کارفرما در برابر کارگران برمی‌گردد، اما پس از مدتی در خصوص فعالیت‌هایی که خطرهای غیر متعارف داشتند و سبب آلودگی محیط زیست می‌شدند، پذیرفته شد (۷).

در مسئولیت محض، بدون توجه به بی‌مبالاتی یا تقصیر، مسئولیت تحمیل می‌گردد. به عبارت دیگر برای تحقق مسئولیت مهم نیست که عامل زیانبار به طور صحیح رفتار کند یا در وقوع خسارت عامل اساسی باشد. زیان‌دیده هم نیازی به اثبات عمد یا بی‌مبالاتی خوانده ندارد، بلکه تنها وقوع خسارت را بایستی اثبات کند (۸). درست است که در مسئولیت محض برخی دفاع‌ها وجود ندارد، اما خوانده می‌تواند از برخی دفاع‌ها به عنوان عوامل رافع مسئولیت استفاده کند، مثل قوه قاهره، جنگ و مداخله شخص ثالث (۹).

در بحث از لزوم محض‌انگاری تخلفات و جرائم زیست‌محیطی و مسئولیت مدنی ناشی از ارتکاب آن‌ها، در مجموع، سه نظریه مطرح شده است که می‌توان آن‌ها را به عنوان مبانی نظری مورد بررسی قرار داد: نظریه حذف مطلق عنصر روانی جرم زیست‌محیطی، نظریه حذف جزئی عنصر روانی جرم زیست‌محیطی و نظریه فرض کردن وجود عنصر روانی در جرم

زیست‌محیطی ارتكابی. این سه مبنای نظری را در ادامه بررسی می‌کنیم (۱۰).

برخی مطلق‌انگاران تخلفات و جرائم زیست‌محیطی معتقدند اهمیت رفتار آسیب‌رسان به محیط زیست و حساسیت ارزشی که به واسطه ارتكاب این جرائم، خدشه‌دار می‌شود، اقتضا می‌کند که در مواجهه با این جرائم، عنصر روانی به طور کامل، نادیده گرفته شود. قائلین به حذف مطلق عنصر روانی تخلفات و جرائم زیست‌محیطی، در واقع، بر این عقیده‌اند که ما خود رفتار آسیب‌رسان به محیط زیست را مجازات می‌کنیم و هیچ نیازی به احراز عنصر روانی مرتکب جرم زیست‌محیطی نداریم (۱۱).

رویکرد دیگری که وجود دارد، این است که در مواجهه با تخلفات و جرائم زیست‌محیطی، حداقل مسامحه باید به اثبات برسد، ولی نیازی به احراز و اثبات درجات بالاتر از مسامحه و سهل‌انگاری در ارتكاب تخلفات و جرائم زیست‌محیطی نیست. در واقع در این نظریه، صرفاً نیاز به اثبات و احراز بخشی از عنصر روانی تخلفات و جرائم زیست‌محیطی است و به محض اثبات و احراز این بخش، مسئولیت ناظر بر این تخلفات و جرائم نیز تحقق یافته و عینیت می‌یابد (۱۲).

در نهایت، رویکرد سوم این است که با مواجهه با یک تخلف یا جرم زیست‌محیطی، ما باید فرض را بر وجود عنصر روانی در مرتکب بگذاریم و در واقع، دیگر از احراز و اثبات این عنصر، بی‌نیاز خواهیم شد، پس، حتی نیاز به اثبات و احراز پایین‌ترین سطح عنصر روانی، یعنی سهل‌انگاری و مسامحه هم نیست، البته در برخی موارد، یعنی در جرم‌های زیست‌محیطی کم‌اهمیت در برابر جرم‌های مهم، امکان اثبات خلاف این فرض به متهم داده شده است، ولی در جرائم مهم، حتی اثبات خلاف این فرض نیز از لحاظ عملی ممکن نیست (۱۳).

۲-۱. آثار حقوقی اصل پیشگیری در مسئولیت محض

خسارت زیست‌محیطی: در مورد تعهد به پیشگیری بر اساس گرایش به مسئولیت محض می‌توان گفت پیش‌نویس مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، دولت منشأ انجام اعمال مخاطره‌آمیز متضمن ضرر و زیان فرامرزی را ملزم به

اتخاذ تمام اقدامات مقتضی به منظور پیشگیری از خسارت فرامرزی مهم یا کاهش خطر آن نموده است. این تعهد در واقع بیانگر همان قاعده قدیمی لاضرر در حقوق داخلی است که قابلیت اعمال آن در روابط بین دولت‌ها نخستین‌بار در دعوی کارخانه ذوب اعلام شد و پس از آن در مقررات اسناد بین‌المللی مختلفی، از جمله اعلامیه‌های استکهلم (۱۹۷۲ م.) و ریو (۱۹۹۲ م.) درج گردید. همانطور که از مقررات این پیش‌نویس پیداست، پیش‌نویس مذکور دو نوع تعهد مجزا را بر عهده دولت‌های منشأ قرار داده است: اول، تعهد به پیشگیری ضرر و زیان فرامرزی؛ دوم، تعهد به کاهش خطر بروز چنین ضرر و زیان‌هایی. باید توجه نمود که اولویت در اینجا با تعهد اول است و اگر دولت نتواند تعهد خود به پیشگیری ضرر و زیان را ایفا نماید، در آن صورت ملزم است در جهت کاهش خطر بروز این ضرر و زیان اقدام نماید (۱۴).

تعهد دولت‌های منشأ به انجام تمام اقدامات لازم جهت پیشگیری ضرر یا کاهش خطر آن محدود به اعمال مخاطره‌آمیز موجود نشده و این تعهد به اتخاذ اقدامات مقتضی به منظور پیشگیری زیان از اعمال آتی که متضمن چنین خطری می‌باشند نیز تسری پیدا می‌کند. تعهد دولت‌های منشأ به پیشگیری زیان فرامرزی یا کاهش خطر آن تعهد از نوع «اعمال مراقبت مقتضی» یا اعمال مراقبت‌های لازم یا تعهد به وسیله است و این با خود دولت منشأ است که تشخیص دهد که آیا تعهدات خود بر اساس مقررات پیش‌نویس مورد بحث را ایفا نموده یا ننموده است. تعهد از نوع به وسیله، تعهد بر اساس امکانات و توان متعهد است و هدف آن تضمین پیشگیری ورود ضرر به نحو کامل نمی‌باشد. برخی اسناد و معاهدات بین‌المللی هم تعهد به پیشگیری ضرر و زیان را تعهد به وسیله قلمداد نموده‌اند (۱۵).

باید اضافه کرد که مقوله پذیرش و شناسایی مسئولیت محض در تحقق مسئولیت حقوقی در قبال رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی و جبران خسارات زیست‌محیطی، به نحو بارزی با اصل پیشگیری از وقوع این رفتارها در ارتباط است. در واقع می‌توان گفت یک مبنای اصلی پذیرش مسئولیت محض، تلاش برای پیشگیری از وقوع رفتارهای خسارت‌بار

در سرزمین و یا قلمرو تحت حاکمیت خود نامحدود و مطلق است؟

پاسخ منطق زیست اجتماعی یا منطق زیستن افراد و دولت‌ها در کنار هم در یک اجتماع واحد به سؤال فوق منفی است. افراد و دولت‌ها نمی‌توانند در اعمال حقوق قانونی و منع نشده خود از آزادی عمل کامل برخوردار باشند و هیچ محدودیت و یا تعهدی را متقبل نشوند. شکل‌گیری جوامع انسانی یا دولتی نتیجه محدودشدن حقوق و آزادی عمل اعضای آن است و بدون این محدودیت ایجاد و دوام چنین جوامعی غیر ممکن می‌باشد (۲۰).

بر اساس حقوق بین‌الملل کلاسیک، دولت‌ها بر قلمرو خویش و منابع طبیعی موجود در آن از حاکمیتی مطلق و صلاحیتی انحصاری برخوردار بودند؛ حال آنکه حقوق بین‌الملل محیط زیست ماهیتاً این اصول کلاسیک را به چالش طلبید، زیرا بر مبنای یافته‌های جدید، محیط زیست مرز نمی‌پذیرد و حیطه صلاحیت سرزمینی دولت‌ها را درمی‌نوردد. به عنوان مثال، توده‌های هوا، جریان‌های اقیانوسی، رودخانه‌ها و گونه‌های جانداران مهاجر همگی بدون ملاحظه مرزهای مصنوعی انسانی در حال حرکت و جا به جایی هستند، گرچه در ظاهر دولت‌ها در قلمرو خویش دارای حق حاکمیت مطلق هستند، ولی نظام بین‌المللی متشکل از کشورهای برابر، ترسیم‌کننده چهره‌ای نسبی از حاکمیت کشورها است و آزادی و استقلال هر دولت را منوط به عدم تحدید آزادی دول دیگر می‌سازد. چنانچه از رهگذر آزادی نامحدود در بهره‌برداری انحصاری از منابع طبیعی توسط کشور ذی‌ربط، منافع سایر کشورها تحت تأثیر قرار گیرد، به کشور مزبور نمی‌توان در زمینه بهره‌گیری از منابع خود، آزادی انحصاری یا نامحدود اعطا کرد، بر این اساس در حقوق بین‌الملل محیط زیست پیشگیری از آلودگی مورد تأکید قرار گرفته است. در واقع بهترین راه حمایت از محیط زیست پیشگیری از ورود خسارت است و تلاش برای جبران خسارت در اولویت بعدی قرار دارد. در وجود چنین منطقی نمی‌توان تردید کرد، اما اینکه سیر تکوین و تحول این منطق در جوامع ملی و سپس جامعه بین‌المللی به چه صورت

زیست‌محیطی است به جای اینکه منتظر وقوع این رفتارها باشیم و سپس بخواهیم متخلف را به جبران خسارت و یا پرداخت غرامت، متعهد سازیم (۱۶).

ارتباط میان مسئولیت محض در قبال رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی و اصل پیشگیری از وقوع این رفتارها، به نظر می‌رسد نیاز به تحلیل و تبیین بیشتر دارد. در این‌باره می‌توان گفت هدف از ایجاد این نوع از مسئولیت مدنی، واکنش سیستم حقوق بین‌الملل به خسارات زیست‌محیطی و لزوم حفاظت از محیط زیست بوده است (۱۷).

اگر خوب به این دو نوع مسئولیت توجه شود، به این مطلب رهنمون می‌شود که نظام مسئولیت بین‌المللی در کل رویکردهای خاصی را نسبت به خسارات زیست‌محیطی، هرچند در برخی از موارد به صورت تلویحی، اتخاذ نموده است. در واقع رویکرد اصلی نظام مسئولیت بین‌المللی به خسارات زیست‌محیطی، رویکرد پیشگیرانه است. به عبارت دیگر رویکرد پیشگیرانه، رویکرد مادر می‌باشد که شاید بتوان گفت تمامی تفاوت‌ها و تمامی رویکردها از این رویکرد پیشگیرانه ناشی شده است. به عبارت بهتر نگاه حقوق مسئولیت بین‌المللی به خسارات زیست‌محیطی، نگاهی پیشگیرانه است تا نگاهی درمانی (۱۸).

۱-۳. آثار حقوقی اصل حاکمیت در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در خسارت زیست‌محیطی: به موجب حقوق بین‌الملل، دولت‌ها از این حق و صلاحیت برخوردار شده‌اند که در سرزمین و یا قلمرو تحت حاکمیت خود به فعالیت‌هایی که انجام آن منع نشده است، اقدام نمایند. در پرتو این حق و صلاحیت، دولت‌ها می‌توانند در سرزمین خود به فعالیت‌های صنعتی، اقتصادی، تجارتی و... جهت تأمین نیازها و منافع خود بپردازند و یا مجوز انجام چنین فعالیت‌هایی از سوی اشخاص خصوصی را صادر نمایند. حق دولت‌ها در انجام هر نوع فعالیت منع‌نشده در سرزمین و یا قلمرو تحت حاکمیت خود تقریباً مشابه حق افراد در اعمال حقوق نسبت به املاک خود در نظام‌های حقوق ملی است (۱۹)، اما سؤال در اینجا این است که آیا حق و صلاحیت دولت‌ها در انجام فعالیت‌های منع‌نشده

بوده و منزلت حقوقی فعلی آن در دو اجتماع چگونه می‌باشد، موضوعی است که در جای خود قابل بررسی و مطالعه است (۲۱).

از سوی دیگر، یکی از اسباب توسعه اصول و قواعد حقوقی مقابله با تهدیداتی است که سلامت انسان و محیط زیست وی را به مخاطره می‌افکند. ریشه بسیاری از این اصول و قواعد را باید در حقوق داخلی کشورها جستجو نمود، لیکن در سال‌های اخیر، توسعه حقوق بین‌الملل و شاخه‌های آن، توسعه این اصول و قواعد را نیز به دنبال داشته است. اصل پیشگیری نیز در زمره اصول و قواعدی است که در حقوق داخلی کشورها شکل گرفته و در حقوق بین‌الملل محیط زیست و به ویژه با پذیرش بیانیه ریو، مراحل تکاملی خود را طی نموده است (۲۲).

اعتقاد به محض یا بودن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی، طبعاً آثار مهمی به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین آثار این باورمندی به محض‌انگاری مسئولیت مدنی در خسارات زیست‌محیطی، آن است که اثبات عنصر مادی و نیز عنصر روانی رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی، نسبت به زمانی که مبنای مسئولیت مدنی، مواردی جز مسئولیت محض است، به مراتب آسان‌تر خواهد شد. در واقع از آنجا که مبنای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی، مسئولیت مدنی محض است، صرف وقوع رفتار خسارت‌بار برای تحقق مسئولیت کافی است و دیگر نیازی به وجود انگیزه یا قصد خاص آسیب‌رسانی نیست (۲۳).

از سوی دیگر، اعتقاد به نظریه خطر هم ظاهراً چندان نتوانسته است در پیشگیری از وقوع رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی افافه کند. در این باره گفته شده است اعتقاد به این نظریه، منجر به محدودکردن فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و فعالیت‌های پرخطر اقتصادی می‌شود و اگر افراد مکلف به جبران کلیه خسارت‌های ناشی از رفتارهای خود باشند، بسیاری از مشاغل، از ترس مسئولیت‌داشتن، کنار گذاشته می‌شوند و در نهایت، این کلیت جامعه است که ضرر می‌کند حال آنکه مبنای قابل قبول و مبتنی بر نقش زیان‌زننده با توجه به ویژگی‌های خسارات زیست‌محیطی و فلسفه و هدف

کلی حقوق در حمایت از محیط زیست، نظریه مسئولیت محض است. در مسئولیت محض، برای خواننده فرض تقصیر می‌شود و زیان‌دیده از اثبات تقصیر وی معاف است و خواننده نیز فقط با اثبات استناد زیان به قوه قاهره می‌تواند از مسئولیت، معاف شناخته شود (۲۴).

از سوی دیگر، قدرت بازدارندگی نظریه محض‌انگاری خسارات زیست‌محیطی، بسیار بیشتر از نظریه مسئولیت مبتنی بر تقصیر یا مسئولیت مبتنی بر خطر است و چون هدف اولیه حقوق محیط زیست، پیشگیری از ورود خسارت است و نه جبران آن و مسئولیت مدنی در صورت عدم تأمین هدف مزبور، وارد عمل می‌شود و به دنبال جبران خسارت است، پس با پذیرش مبنای مسئولیت محض، هدف محیط زیست، یعنی پیشگیری بهتر تأمین می‌شود، چون در این صورت، افراد در استفاده از محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن، احتیاط بیشتری می‌کنند و حاضرند سرمایه‌گذاری بیشتری کنند تا مجبور به جبران خسارت بیشتر نشوند (۲۵).

۲. رویکرد نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا نسبت به مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی: در نظام حقوقی کشور ما، معمولاً بیشتر جرائم علیه محیط زیست، جرائم عمدی انگاشته شده‌اند. بنابراین برای مواجهه قانونی با آن‌ها احراز عنصر روانی در رفتار ارتكابی لازم است، لذا بدون چنین احرازی، اساساً اصل ارتكاب جرم، به اثبات نرسیده و امکان تعیین و اجرای ضمانت اجرای قانونی به ویژه مجازات‌ها نسبت به مرتکبان جرائم زیست‌محیطی امکان ندارد. این در حالی است که برخی از کشورها که دارای نظام حقوقی پیشرفته‌تری در زمینه برخورد و مقابله با جرائم زیست‌محیطی هستند، طریق دیگری در پیش گرفته‌اند و برخلاف رویکرد نظام حقوقی ایران، احراز عنصر روانی در جرائم زیست‌محیطی را لازم ندانسته و ارتكاب عنصر مادی جرائم زیست‌محیطی را برای تحقق مسئولیت کیفری در قبال این جرائم، کافی دانسته‌اند (۲۶).

در کشور ما هنوز نشانه آشکاری از پذیرش این رویکرد در فرایند قانونگذاری زیست‌محیطی مشاهده نمی‌کنیم. با اینکه

است. کسانی نظیر «کارمایکل (Carmichael)» و «هستر (Hester)» و «بلومکست (Blumcast)»، نخستین تئوری‌های حقوقی در مورد لزوم پذیرش مسئولیت کیفری بدون تقصیر در باب عنصر روانی جرائم زیست‌محیطی در این کشور را مطرح کرده‌اند (۲۹).

لااقل در سه قانون مصوب در این کشور، ضابطه مسئولیت کیفری بدون تقصیر یا مبتنی بر ارتکاب عنصر مادی رفتار مجرمانه بدون آنکه نیاز به احراز و اثبات عنصر روانی وجود داشته باشد، مبنا قرار گرفته است: نخست، قانون «مبارزه با جرائم شرکتی» مصوب ۲۰۰۲ در ماده ۴-۱۲؛ دوم، قانون «جنگل‌ها و مناطق حفاظت‌شده دارای گونه‌های نادر حیات وحش» مصوب ۲۰۰۷ در ماده ۸-۳؛ سوم، قانون «تضمین حق دسترسی به هوای پاک» مصوب ۲۰۰۸ در ماده ۴-۵ با عباراتی تقریباً مشابه، مرجع قضایی را در فرضی که قرائن و دلائل کافی برای انتساب اتهام به مرتکبان جرائم زیست‌محیطی وجود دارند و بنا بر یک «معیار قضاوت نوعی و معقول»، می‌توان جرم ارتكابی را به حساب مرتکبان آن گذاشت، بی‌نیاز از احراز عنصر روانی دانسته‌اند، به ویژه در مورد جرائم شرکتی که بر اساس مشارکت مجرمانه و از جمله در قالب باندهای مجرمانه و چه بسا در پوشش شرکت‌های تجاری مجاز، اقدام به ارتکاب جرائم زیست‌محیطی می‌کنند، بی‌نیازبودن مرجع قضایی از احراز و اثبات عنصر روانی جرائم ارتكابی، مورد تأکید است (۳۰).

۳. تحول در نظام ادله و اثبات دعاوی راجع به مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی: حقوق محیط زیست در اتحادیه اروپایی گسترده‌ترین و فراگیرترین حقوق حفاظت از محیط زیست در جهان است. مقررات مسئولیت ناشی از نقض این قوانین و اصول نیز بسیار فراگیر و سختگیرانه تنظیم شده است. این نوع مسئولیت، این‌گونه توجیه شده است که مسئولیت بدون تقصیر اجرای سیاست‌ها و اصول اتحادیه در حفاظت از محیط زیست را بهتر تأمین می‌کند.

در برخی از کشورها محض‌انگاری در باب ماهیت جرائم زیست‌محیطی، مقامات قضایی را بی‌نیاز از احراز عنصر روانی در جرم‌های زیست‌محیطی کرده و مواجهه قانونی و قضایی با این جرم‌ها را ساده‌تر ساخته و در عوض، تکلیف به اثبات فقدان عنصر روانی را بر دوش متهم گذاشته است، در کشور ما همچنان، مقام قضایی مکلف به اثبات عنصر روانی این قبیل جرائم در کنار دو عنصر دیگر، یعنی قانونی و مادی برای احراز مسئولیت کیفری و امکان اعمال ضمانت اجرای قانونی در برابر جرم‌های زیست‌محیطی است که به نظر می‌رسد، به هیچ وجه، چنین رویکردی عقلایی نبوده و با معیارهای جدید مطرح در حوزه مسئولیت کیفری ناشی از ارتکاب جرائم زیست‌محیطی در تضاد و تناقض آشکار است (۲۷).

یکی از مشکلات قوانینی که بر اساس آن‌ها در کشور ما می‌توان خسارت‌های زیست‌محیطی را جبران کرد (اعم از اینکه این خسارت‌ها به طور مستقیم موجب زیان به اشخاص شده یا اینکه صرفاً متوجه محیط زیست شده باشند، نبودن مبنایی مناسب برای مسئولیت مدنی دولت در آن قوانین است، چراکه به طور معمول دادگاه‌ها به موجب قوانین، بر اساس نظریه تقصیر، آلوده‌کنندگان محیط زیست را به جبران خسارت محکوم می‌کنند که این نظریه در مباحث زیست‌محیطی مشکلات فراوانی را به دنبال دارد، زیرا اثبات تقصیر آلوده‌کننده کاری بس دشوار است و زمانی که آلودگی‌های زیست‌محیطی به طور مستقیم زیان‌دیدگانی هم داشته باشد، انگیزه قربانیان برای طرح دعوا و مطالبه خسارت کاهش پیدا می‌کند (۲۸).

۱-۲. رویکرد نظام حقوقی انگلستان در پذیرش مسئولیت کیفری بدون تقصیر: در این قسمت، به رویکرد نظام حقوقی کشور انگلستان که یکی از مهم‌ترین نظام‌های حقوقی حال حاضر در دنیاست که بر روی محض‌انگاری رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی تمرکز کرده است، اشاره‌ای می‌شود. این کشور را می‌توان نخستین نظام حقوقی دانست که گرایش به پذیرش مسئولیت کیفری بدون تقصیر یا مبتنی بر ارتکاب عنصر مادی بدون توجه به عنصر روانی، در آن شکل گرفته

به نظر می‌رسد اصلی‌ترین سند حقوقی موجود در سطح اتحادیه اروپا به منظور استقرار نظام مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی بر معیار مسئولیت محض، دستورالعمل ۲۰۰۴ پارلمان اروپا است که معتقد به استقرار و تحقق مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی بر مبنای مسئولیت زیست‌محیطی یا همان مسئولیت مدنی بدون تقصیر است. در دستورالعمل ۲۰۰۴ اتحادیه اروپا صرف قریب‌الوقوع بودن زیان، کافی برای اقامه دعوی زیان‌دیده دانسته شده و به زیان‌دیده بالقوه، اجازه داده شده است تا تدابیر پیشگیرانه‌ای اتخاذ کند. از دیگر شرایط لازم برای اینکه زیان قابل مطالبه باشد، مستقیم و بی‌واسطه بودن زیان است (۳۱)، البته این شرط بیشتر مربوط به احراز رابطه سببیت بین خسارت و فعل شخص است تا به شرایط ضرر قابل مطالبه. در بحث از رویکرد اتحادیه اروپا در زمینه تحول در نظام اثبات دعوی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی می‌توان به نکات مهمی دست یافت. در این زمینه می‌توان گفت مباحث راجع به گسترش رژیم مسئولیت زیست‌محیطی در اتحادیه اروپا بسیار جنجال‌برانگیز و مورد اختلاف است. گرایش به مسئولیت زیست‌محیطی بین تک‌تک دولت‌های عضو اتحادیه فرق می‌کند. این مباحث غالباً از سیاستگذاری‌های مربوط به حوادث بزرگ زیست‌محیطی، ناشی شده‌اند. نخستین اقدام برای تشریح رژیم مسئولیت مدنی خسارت‌های زیست‌محیطی در اتحادیه اروپا به دستورالعمل ۱۹۸۴ در زمینه مراقبت و کنترل حمل و نقل فاضلاب‌های خطرناک به وسیله کشتی برمی‌گردد.

نخستین فعالیت‌ها محدود می‌شد به تأسیس رژیم مسئولیت برای خسارات ناشی از فاضلاب‌ها که کمیسیون اروپایی در سال ۱۹۸۹ دستورالعمل پیشنهادی راجع به مسئولیت مدنی خسارات ناشی از فاضلاب را ارائه داد، ولی پیشنهاد مذکور در سال ۱۹۹۳ هنگامی که کمیسیون یک رژیم مسئولیت وسیع‌تری را در سر می‌پروراند، نسخ شد (۳۲).

۴. تحولات در نظام اثبات دعوی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی: به تبعیت از تحولاتی که در

نظام ادله راجع به دعوی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی رخ داده، در نظام اثبات این دست دعوی نیز تحولاتی رخ می‌دهد که می‌توان مهم‌ترین این تحولات را عدم اقرارمحوری در اثبات دعوی و نیز ارتقای جایگاه و اهمیت دیگر ادله اثبات به ویژه امارات قانونی و قضایی در اثبات این دعوی دانست. در واقع می‌توان گفت به هر اندازه که مقام مرجع قضایی نسبت به اقدام خوانده به اقرار نسبت به ارتکاب رفتار خسارت‌بار زیست‌محیطی ناامید می‌شود، در عوض، می‌تواند به دیگر ادله اثبات دعوی، از جمله گواهی و امارات قانونی و قضایی اهمیت داده و به خوبی از آن‌ها برای اثبات دعوی استفاده کند، بدین‌ترتیب نیازی به اخذ اقرار خوانده نسبت به ارتکاب رفتار خسارت‌بار زیست‌محیطی وجود ندارد، بلکه اصولاً می‌توان بر اساس شهادت و گواهی به ارتکاب این رفتار و یا بر مبنای امارات قانونی و قضایی، نسبت به اثبات و احراز ارتکاب چنین رفتاری مبادرت کرد. این امر، تحول مهمی در نظام اثبات دعوی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی محسوب می‌گردد و نشان از آن دارد که به هیچ وجه، الزامی به تقید نسبت به اخذ اقرار از خوانده در جهت اثبات دعوی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی وجود ندارد، بلکه می‌توان با تمسک و توسل به دیگر ادله، نسبت به اثبات این دعوی مبادرت ورزید (۳۳).

۴-۱. آثار حقوقی تقصیر مبنای تحقق مسئولیت مدنی:

در فرضی که تقصیر، همچنان مبنای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی است، اقرار خوانده، از درجه اول اهمیت برای اثبات دعوی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی برخوردار است، ولی در فرضی که تقصیر، الزاماً مبنای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی نیست و در عوض، بنا بر مسئولیت محض قرار می‌گیرد، صرف وقوع رفتار خسارت‌بار از جانب خوانده، دلیل بر تحقق این مسئولیت است و این امر، اثبات مسئولیت و ضمان خوانده را نسبت به آنچه مرتکب شده و آنچه باید درصدد جبران آن برآید، به مراتب، آسان‌تر و ساده‌تر می‌سازد.

مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی رفته‌اند، ولی نظام حقوقی کشور، فاصله زیادی تا محض‌انگاری این نوع مسئولیت دارد (۳۵).

در هیچ یک از متون و نصوص قانونی راجع به خسارات زیست‌محیطی در کشورمان، نظریه مسئولیت محض، مبنای شناسایی مسئولیت مدنی قرار نگرفته است و همچنان نظریه سنتی تقصیر، مبنای شناسایی این مسئولیت است. این رویه، حتی در آرای دادگاه‌ها نیز مشهود است، به نحوی که در تصمیمات قضایی صادرشده از سوی محاکم، همچنان نظریه تقصیر، مبنای تحقق مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی است، از جمله دادنامه شماره ۳۲۷/۸۴ مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۴ صادره از شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری همدان، متهم به ایجاد آلودگی صوتی را به خاطر عدم احراز تقصیر، تبرئه نموده است یا در نمونه‌ای دیگر، شعبه ۱۰۴ دادگاه جزایی سمنان، در دادنامه شماره ۵۸۲ مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۹ به دلیل عدم احراز تقصیر مرتکب، بزه محیط زیستی انتسابی به مرتکب طبق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی را تحقق یافته ندانسته و رأی به برائت وی صادر کرده است.

بنابراین به رغم پیشنهادهای عدیده‌ای که از سوی حقوقدانان و نظریه‌پردازان حوزه مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی مبنی بر پذیرش و شناسایی رسمی نظریه مسئولیت مدنی محض برای خسارات زیست‌محیطی ارائه شده، قانونگذار، وقتی بر این امر ننهاد و ظاهراً موافق شناسایی اصل اخیر به عنوان مبنای تحقق خسارات زیست‌محیطی نیست.

نتیجه‌گیری

در حوزه محیط زیست، پذیرش مسئولیت کیفری بایستی به معنای مسئولیت حقوقی نیز باشد. با پذیرش مسئولیت محض در جرائم زیست‌محیطی علاوه بر کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از جلسات طولانی دادرسی و در راستای اصل سرعت و تأثیرگذاری مجازات در بازدارندگی در حوزه جرائم زیست‌محیطی، شهروندان و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی، مسئولیت محض به عنوان یک محرک مهم، این نهادها را

در نظام حقوقی ایران، اما متأسفانه پی‌ریزی نظام مسئولیت مدنی و اثبات مسئولیت بر مبنای تقصیر، دست قضا و مراجع قضایی را در تحول در این نظام، عملاً کوتاه می‌کند. با اینکه تا به حال، حقوقدانان بسیاری، سعی در اقناع قانونگذار و مراجع رسمی در پذیرش و شناسایی مسئولیت محض در زمینه تحقق مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی داشته‌اند، اما هنوز هیچ تحول مثبتی در این زمینه در نظام حقوقی ایران رخ نداده است. دو رأی قضایی که در گفتار قبل به فراخور مطالب مورد بررسی به آن‌ها اشاره شد، به خوبی، گواه بر این هستند که نظام حقوقی ایران، واقعاً در زمینه تحول‌آفرینی و رویگردانی از مبانی سنتی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی، با معضل و بن‌بست رو به رو است، حال آنکه شناسایی و پذیرش مبنای مسئولیت محض، در عمل، نهایتاً آسانی کار بیشتری را برای مقامات و مراجع قضایی رقم خواهد زد و آن‌ها را در اثبات آسان‌تر مسئولیت و ضمان ناشی از ارتکاب رفتارهای خسارت‌بار زیست‌محیطی، یاری خواهد کرد (۳۴).

ضعف نظام حقوقی ایران در این زمینه، در حالی مشهود است که برخی از حقوقدانان، با استناد به برخی قواعد فقهی از جمله لاضرر و اتلاف، اتفاقاً معتقدند در نظام حقوق اسلامی، برخلاف تصوراتی که وجود دارد، محض‌انگاری مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی، نه تنها سابقه و پیشینه دارد، بلکه لااقل همین دو قاعده مهم در فقه اسلامی، می‌توانند مبنای شناسایی رسمی و تقنینی مسئولیت محض در زمینه خسارات زیست‌محیطی در کشور ما قرار گیرند.

برعکس در برخی کشورهای عضو نیز قانون خاصی راجع به مسئولیت زیست‌محیطی پیش‌بینی نشده و همان قواعد سنتی مسئولیت مدنی اعمال می‌شود. فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و انگلستان از نمونه‌های بارز این کشورها هستند. هنوز در زمینه تشخیص، تعیین و تبیین مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی در حقوق ایران، مبنا و معیار، نظریه تقصیر است و به نظر می‌رسد به رغم آنکه بسیاری از اساتید و ثوری پردازان به سمت استقرار رویکرد قائل به محض‌بودن مسئولیت

تشویق یا وادار به بازدارندگی از این جرائم نموده و ضمن اینکه شهروندان را به سمت و سوی یک عدالت ترمیمی خارج از دادگاه سوق می‌دهد.

هنوز در زمینه تشخیص، تعیین و تبیین مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی در حقوق ایران، مبنا و معیار، نظریه تقصیر است و به نظر می‌رسد به رغم آنکه بسیاری از اساتید و تئوری‌پردازان به سمت استقرار رویکرد قائل به محض بودن مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی رفته‌اند، ولی نظام حقوقی کشور، فاصله زیادی تا محض‌انگاری این نوع مسئولیت دارد.

در هیچ یک از متون و نصوص قانونی راجع به خسارات زیست‌محیطی در کشورمان، نظریه مسئولیت محض، مبانی شناسایی مسئولیت مدنی قرار نگرفته است و همچنان نظریه سنتی تقصیر، مبانی شناسایی این مسئولیت است. این رویه، حتی در آرای دادگاه‌ها نیز مشهود است، به نحوی که در تصمیمات قضایی صادرشده از سوی محاکم، همچنان نظریه تقصیر، مبانی تحقق مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی است، از جمله دادنامه شماره ۳۲۷/۸۴ مورخ ۱۳۸۴/۵/۲۴ صادره از شعبه ۱۰۴ دادگاه کیفری همدان، متهم به ایجاد آلودگی صوتی را به خاطر عدم احراز تقصیر، تبرئه نموده است یا در نمونه‌ای دیگر، شعبه ۱۰۴ دادگاه جزایی سمنان، در دادنامه شماره ۵۸۲ مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۹ به دلیل عدم احراز تقصیر مرتکب، بزه محیط زیستی انتسابی به مرتکب طبق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی را تحقق یافته ندانسته و رأی به براءة وی صادر کرده است. بنابراین می‌توان مدعی شد که نظام حقوقی ایران، با تحولاتی که هم در عرصه ماهوی و هم در عرصه شکلی در رابطه با مبانی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی رخ داده و صورت گرفته، فاصله بسیار دارد و لازم است برای کم‌کردن نقص‌ها و کمبودها، حرکت‌های جدی در راستای همسویی با استانداردهای بین‌المللی مطرح در این‌باره به خصوص همگرایی بیشتر با معیارها و موازین مطرح در سطح اتحادیه اروپا صورت گیرد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که قانونگذار به عنوان مهم‌ترین سیاستگذار حوزه مسئولیت مدنی

زیست‌محیطی، صراحتاً مسئولیت محض را در رابطه با رفتارهای خسارت بار و زیان‌آور زیست‌محیطی بپذیرد و با وضع مقرراتی خاص و ویژه در این مورد، به جای معیار تقصیر، معیار مسئولیت محض را در ارتباط با خسارات زیست‌محیطی بپذیرد.

مشارکت نویسندگان

حسین ولی‌زاده: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع.

نجات‌اله ابراهیمیان و شراره مفیدیان: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی بر مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

- Enteziri Najafabadi AR. Civil Liability Due to Environmental Damages (Comparative Study in Iranian and European Union Laws). 1st ed. Tehran: Mokhtab Publication; 2015. [Persian]
- Bahrami Ahmadi H, Fahimi A. Foundation of Environment Civil Responsibility in Islamic Jurisprudence and Iranian Law. The Quarterly Journal of Islamic Law Research. 2008; 8(26): 121-150. [Persian]
- Janipour M, Abbasi M. Study on Strict Liability, Perspective of Criminal Law and Emamiyeh (Shieh) Jurisprudence (Feqh), Emphasizing the Responsibility of the Physician. Journal of Jurisprudence and Islamic Law. 2013; 3(6): 23-68. [Persian]
- Badini H. Philosophy of Civil Responsibility. Tehran: Publishing Company; 2014. [Persian]
- Samavati Pirouz A. A reflection on crimes with absolute responsibility in English law. Journal of Correction and Education. 2006; 5(55): 28-31. [Persian]
- Saeidi Y. A brief look at absolute criminal liability in English criminal law. Govah Law Journal. 2008; 13: 129-130. [Persian]
- Tahmasebi A, Alipour K. The effect of fault and pure responsibility in persuading the cause of loss and the victim to observe caution. Law Journal of Justice. 2011; 75(74): 129-160. [Persian]
- Qasimzadeh SM. Civil liability resulting from omission (Blame of the Type of Negative Verb or Leaving the Verb). Law and Political Science. 1999; 44(816): 41-64. [Persian]
- Amini L. International responsibility of governments due to environmental pollution. Master's Thesis. Tehran: Faculty of Law, Shahid Beheshti University; 2019. [Persian]
- Mirkhalili SM, Salarifar A. Revision of the psychological pillar of crime in the crime of biodiversity and the Islamic view of it. Theological-Doctrinal Research. 2018; 7(28): 161-182. [Persian]
- Katouzian N. Civil Law in the current legal system. 6th ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2016. [Persian]
- Haring J. Fundamentals of English Criminal Law. Translated by Etemadi A. 1st ed. Tehran: Jungle Publications; 2012. [Persian]
- Reid E. Liability for Dangerous Activities: A Comparative Analysis. The International and Comparative Law Quarterly. 1999; 48(4): 731-756.
- Duff RA, Gardner J. Answering for Crime, Responsibility and Liability in the Criminal Law (Legal Theory Today). Oxford: Hart Publishing; 2007.
- H.P. Brans E. Liability for Damage to Public Natural Resources: Standing, Damage and Damage Assessment. Kluwer Law International. 2001; Vol.61.
- Trevor JPH. Principles of Civil Liability for Nuclear Damage. In: Nuclear Law for a Developing World. Legal Series. 1969; 5: 109.
- W.Simons K. When is Strict Criminal Liability Just. Journal of Criminal Law and Criminology. 1997; 87(4): 1075-1137.
- Kiss A. Present Limits to the Enforcement of State Responsibility for Environmental Harm. Edited by Francioni F, Scovazzi T. International Responsibility for Environmental Harm. London: Graham and Trotman; 1991.
- International Law Commission. Prevention of Transboundary Harm from Hazardous Activities. 2001.
- Simester AP. Appraising Strict Liability. 1st ed. Oxford: Oxford University Press; 2005.
- Stanton J. Strict Liability: Stigma and Regret. Oxford Journal of Legal Studies. 2007; 27(1): 151-173.
- Case A, Long W, Sand P. Environmental rights. Translated by Habibi MH. Tehran: Mizan Publishing House; 2011. Vol.1. [Persian]
- Case A, Long W, Sand P. Environmental rights. Translated by Habibi MH. Tehran: University of Tehran; 2007. [Persian]
- Robinson N, Lal Kuru K. Foundations of International Environmental Law. Translated by Hosseini SMM. Tehran: Mizan Publishing House; 2019. [Persian]
- Miri DM. The Great Systems of Criminal Politics. Translated by Najafi Abrandabadi AH. 1st ed. Tehran: Mizan Publishing House; 2002. [Persian]
- Hosseini SM. Criminal Policy in Islam and the Islamic Republic of Iran. 1st ed. Tehran: Tehran University Press; 2013. [Persian]
- Taghizadeh Ansari M. International Environmental Law. Tehran: Khorsandi Publications; 2014. [Persian]
- Porhashmi SA, Arghand B. International Environmental Law. Tehran: Dadgstar Publications; 2012. [Persian]

29. Gundling L, Huisman JW, Hop AE. Environmental Law. Translated by Habibi MH. Tehran: University of Tehran; 2020. Vol.2. [Persian]
30. Bahrami Ahmadi H, Alam Khani A. The Bases of the Government's Civil Liability against the Environmental Pollutions. Quarterly Journal of Public Law Knowledge. 2014; 3(7): 95-113. [Persian]
31. Jambozorg M, Pournouri M, Poorhashemi SA, Hermidas Bavand D. Components and Challenges in Codification of Environmental Crime Indices as an International Crime. Journal of Environmental Science and Technology. 2019; 21(83): 257-278. [Persian]
32. Hayati AA. Concept of the "Precautionary Principle" and its Place in Civil Responsibility. Islamic Law Research Journal. 2015; 15(40): 185-206. [Persian]
33. Khaleghi A, Rashnavadi H. The Iran Criminal Legislative Policy for the Preservation of Water Resources with Regard to the International Instruments. Journal of Criminal Law Research. 2013; 1(3): 119-141. [Persian]
34. Ramezani Qavamabadi MH. The Protection of Animal Species under Criminal Law in Iran. Environmental Sciences. 2009; 7(2): 77-94. [Persian]
35. Zarei S, Poorhashemi SA, Pournouri M. Development of international environmental law in the light of International judicial judgements and precedents. Journal of Environmental Science and Technology. 2017; 19(3): 195-216. [Persian]